

یا با امپریالیسم؛ یا با تروریسم !

شهاب برهان

امروز جورج بوش در کنگره آمریکا در نطقی که در رابطه با تدارک به اصطلاح «جنگ با تروریسم» ایراد کرد، از جمله گفت: «ملت های جهان باید تصمیم خود را بگیرند: یا با ما؛ یا با تروریسم!»

به نظر می رسد که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در نتیجه ضربه ای که تروریسم به کشورش وارد کرده تعادلش را از دست داده است. حالا با این لحن تحکم آمیز و تهدید کننده با ملت های جهان حرف زدن به کنار (که در سنت دیپلماسی «کابویی» آمریکا هم بی سابقه است)، او اولاً همه ملت های جهان را رسماً و آشکارا به همدستی و همراهی با آمریکا و اطاعت از آن مکلف می کند؛ ثانیاً آنانی را که به هر دلیل چنین نکنند، ملت های تروریست و طرفدار تروریسم قلمداد می کند؛ و ثالثاً با این شانتاژ جنگی، آنان را تلویحاً تهدید به تنبیه و مجازات می کند.

اگر رئیس جمهور و نمایندگان کنگره آمریکا ندانند، دور از انتظار نیست؛ اما آقای تونی بلر _ که چنان با حرارت به همراه سناتورهای برای این جمله تاریخی بوش کف زد _ باید آنهمه اطلاعات و فرهنگ داشته باشد که بداند در دنیا «ملت تروریست» یا «ملت طرفدار تروریسم» وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد. در واقعیت، یا با افراد و شبکه های تروریستی در درون ملت ها مواجهیم؛ یا با دولت های تروریست و حامی تروریسم.

دول امپریالیستی و در پیشاپیش همه آنان، دولت آمریکا از طریق گسترش بی عدالتی و بیداد در سراسر دنیا و حمایت از رژیم های ستمگر و دیکتاتور، نقش اصلی را ایجاد و گسترش زمینه های تروریسم ضد دولتی داشته اند. همین دول امپریالیستی، تا جایی که منافع شان ایجاب کرده، خود بزرگترین حامی حکومت های تروریست هم بوده اند.

در قاموس امپریالیست ها رفتار رژیم ترکیه با کردهای آن کشور، و رفتار رژیم صهیونیستی با فلسطینیان تروریسم نبوده است! برای دولت آمریکا، رژیم طالبان از ۱۱ سپتامبر و فقط بخاطر تروری که در آمریکا اتفاق افتاد تروریست یا حامی تروریسم شده است! در کشوری که اکثریت عظیم مردم آن اگر اسم «افغانستان» به گوششان خورده باشد، نمی دانند این کشور در کجای سیاره ماست؛ و بیش از نود و نه درصد آنان هنوز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز نمی دانند که رژیم طالبان،

ساخته و پرداخته آمریکا، و خود اسامه بن لادن، دستساز و دست پرورده سی. آی. ای. بوده است، چه آسان می شود صحنه جنگ میان «خیر و شر» ترسیم کرد و همه ملت های جهان را تهدید کرد که : اگر در این جنگ با ما نباشید، «شر» مجسم آید و حساب تان را خواهیم رسید!

و وقتی که مبارزه ضد تروریستی امپریالیست ها اینچنین ریاکارانه باشد، چه جای حیرت که حتا رژیم تروریست جمهوری اسلامی هم خود را مخالف ترور و تروریسم جا بزند و برای مبارزه جهانی با آن اعلام آمادگی کند! همین مانور ریاکارانه و از روی ترس، برای امپریالیست ها کافی است تا در گرد و خاک «جنگ با تروریسم»، رژیم تروریست جمهوری اسلامی را در آغوش بکشند.

تونی بلر که اینچنین از ژست قلابی ضد تروریستی جمهوری اسلامی به وجد آمده است، اگر حقیقتاً در مبارزه با تروریسم صادق باشد، باید میج این رژیم را بگیرد و شرکایش را به بی اعتمادی نسبت به ژست ریاکارانه این رژیم دعوت کند. اگر گرهارد شرودر حقیقتاً قصد مبارزه با تروریسم و ریشه کن کردن اش را داشته باشد، بعنوان یک اقدام کوچک و عملی، باید پرونده «میکونوس» را بیرون بکشد و خواهان تحویل فلاحیان به آنتریل بشود. اگر شیراک و ژوسپن قصد مبارزه حقیقی با تروریسم را داشته باشند، کمترین کاری که می توانند بکنند، انتشار لیست ترورهای است که رژیم جمهوری اسلامی در خاک فرانسه مرتکب شده است؛ و تقبیح ساخت و پاخت های شیراک و میتران با رژیم ایران و ابراز تأسف از آزاد کردن تروریست ها و اعزام شان به تهران .

اما آنان و شرکای دیگرشان ترور و تروریسم را با معیار منافع خودشان تعریف می کنند؛ کما این که آمریکا هم ایران را تاکنون نه بخاطر تروریسم دولتی اش علیه مردم ایران، بلکه فقط به این اعتبار حامی تروریسم تلقی کرده است که در برقراری صلح بین اسرائیل و فلسطینیان از طریق کمک به گروه هایی چون حماس، خرابکاری می کند. اگر جمهوری اسلامی دست از این خرابکاری بردارد، هر اندازه هم که به تروریسم دولتی و سازمان یافته علیه زندانیان سیاسی، مخالفان سیاسی و عقیدتی، اقلیت های مذهبی و ملی در داخل و خارج کشور دست بزند، دیگر در لیست حکومت های تروریست و حامی تروریسم قرار نخواهد گرفت؛ همچنان که رژیم طالبان تا همین یازدهم سپتامبر، با وجود همه فجایع هولناکی که بر سر مردم افغانستان آورده است، تروریست تلقی نمی شد!

و حالا چون منافع آمریکا لطمه خورده است، زمان مبارز با تروریسم فرا رسیده است! و به همه ملت ها هم تکلیف می شود که تصمیم خود را برای انتخاب میان «خیر و شر»، میان «آمریکا و تروریسم» بگیرند!

اولاً، عمق زخم و درد مردم آمریکا از تهاجم فجیع تروریستی اخیر هر اندازه هم که همدردی مردم دنیا را طلب کند، هیچ دلیلی برای طلبکاری آمریکائیان از مردم دنیا به دست نمی‌دهد. این را باید به آمریکائیان فهماند.

ثانیاً، هیچ دلیلی ندارد که « ملت‌های جهان » میان امپریالیسم و تروریسم، یکی را انتخاب کنند. راه سومی هم وجود دارد که، مبارز برای رهایی از این هر دو « شر » است. و اما تا جایی که به ایران مربوط می‌شود: مردم ایران نه در به خاک و خون کشیدن انتقامجویانه مردمانی نگون بخت چون خواهران و برادران افغانی‌شان (که خود قربانی حکومت‌های تروریست‌اند) با امپریالیست‌ها همدلی و همدستی می‌کنند؛ و نه بر ساخت و پاخت امپریالیست‌ها با رژیم‌های تروریست و جنایتکاری مثل رژیم اسلامی ایران چشم می‌پوشند و آن را می‌بخشند. برای مردم ایران، بویژه حالا که اذهان مردم جهان بر تروریسم متمرکز شده است و آن را محکوم می‌کند، مناسب‌ترین زمان است تا حسابگری و ریاکای امپریالیست‌ها در مبارزه با تروریسم و آب تبرک ریختن شان بر سر رژیم تروریست ایران در این معرکه را رسوا و محکوم کنند؛ پرونده‌های تروریسم سازمان یافته دولتی این رژیم را بیرون بکشند و مبارزه خود بمنظور برپائی یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران بجرم تروریسم دولتی و ارتکاب به جنایات فجیع علیه بشریت را، با جلب حمایت و کمک مردمان و نیروهای آزاده و مترقی جهان، صد چندان کنند.

مردم ایران در جهت ریشه کن کردن ترور و تروریسم، راهی جز مبارزه برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی، و جدا کردن صف خود از جبهه امپریالیست‌ها ندارند، که جنگ ضد تروریستی را برای مصالحه و کنار آمدن با رژیم تروریست جمهوری اسلامی، غنیمت می‌شمرد.

۲۹ شهریور ۱۳۸۰